

سوال

شنیدم که در شجره نامه نَسَب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درباره نام «إلیاس» اختلاف نظر هست. برخی گفته‌اند این نام الیاس یا لیاس است. امیدوارم کسانی که یکی از این نام‌ها را ترجیح داده و درست‌تر دانسته‌اند ذکر کنید و قول صحیح‌تر علما را بیاورید.

خلاصه‌ی پاسخ

«إلیاس» جزء شجره نامه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است که ثابت و معروف و مورد اتفاق است و در این باره اختلاف نظری نیست. اختلاف درباره نحوه نوشتن این نام است که آیا «إلیاس» است با همزه قطع، یا «الیاس» با همزه وصل و در این باره علما دو قول دارند و چنانکه بیان شد قضیه‌ای آسان است. اما درباره نام «لیاس» بدون همزه چنانکه در پاسخ آمده کسی از علما را نمی‌شناسیم که آن را ذکر کرده باشد.

پاسخ مفصل

الحمد لله.

پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - شریف‌ترین مردم از نظر حَسَب و بهترین آنان از نظر نَسَب از جهت پدر و مادر است، چنانکه نظر علما - خواص و عموم آنان - بیان شده است.

مسلم (۲۲۷۶) از واثله بن أسقع روایت کرده که گفت: شنیدم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌فرمود: «الله، کِنَانه را از فرزندان اسماعیل برگزید و قریش را از کِنَانه و از قریش بنی‌هاشم را برگزید و مرا از فرزندان هاشم برگزید».

نَسَب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تا عدنان مورد اتفاق است، اما نَسَب ایشان میان عدنان تا اسماعیل بن ابراهیم مورد اختلاف است.

ذهبی - رحمه الله - می‌گوید:

«ایشان محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است و نام عبدالمطلب شیبه است که فرزند هاشم است و نام او [یعنی هاشم] عمرو است، فرزند عبد مناف که نامش مُغیره است، فرزند قُصَی که نامش زید است، فرزند کِلَاب بن مُره بن کَعْب بن لُؤی

بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خُزَیمه بن مُدرکه که نامش عامر است، فرزند الیاس بن مُضَر بن نزار بن مَعَد بن عدنان و عدنان به اجماع مردم از فرزندان اسماعیل بن ابراهیم است. درود و سلام الله بر آنان و بر پیامبر ما باد.

اما درباره پدران ایشان میان عدنان و اسماعیل اختلاف نظر است. برخی گفته‌اند: نه پدر میان آنهاست و گفته شده هفت پدر و درباره نام‌های برخی از پدران اختلاف کرده‌اند. برخی نیز گفته‌اند پانزده پدر میان آنهاست و برخی گفته‌اند چهل تن که این قول بعیدی است و از برخی از طوایف عرب نقل شده است.

اما عروه بن زبیر می‌گوید: «کسی را ندیده‌ایم که پس از عدنان را بداند مگر آنکه از روی گمان سخن گفته است».

ابوالأسود، یتیم عروه می‌گوید: از ابوبکر بن سلیمان بن ابوحثمه که از آگاه‌ترین قریشیان به انساب و اشعارشان بود شنیدم که می‌گوید: «کسی را ندیدیم که پس از معد بن عدنان را در شعر شاعری یا علم عالمی بداند».

ابوعمر بن عبدالبر می‌گوید: «آنچه امامان این مسئله بر آن هستند این است که او عدنان بن ادد بن مقوم بن ناحور بن تیرح بن یعرب بن یشجب بن نابت بن اسماعیل بن ابراهیم خلیل بن آزر که اسمش تارح است، فرزند ناحور بن ساروح بن راعو بن فالخ بن عبیر بن شالخ بن ارفخشذ بن سام بن نوح علیه السلام بن لامک بن متوشلخ بن خنوخ بن یرد بن مهلیل بن قینن بن یانش بن شیث بن آدم ابوالبشر علیه السلام است.

و این همان چیزی است که محمد بن اسحاق در سیرت خود مورد اعتماد قرار داده و اصحاب ابن اسحاق درباره برخی از این نام‌ها با وی اختلاف دارند».

ابن سعد می‌گوید: «قضیه برای ما اینگونه است که از بعد از عدنان تا اسماعیل سکوت کنیم» (السير: ۱/ ۱۴۳-۱۴۵).

حافظ ابن حجر - رحمه الله - می‌گوید:

«طبرانی با سند جید از عایشه روایت کرده که گفت: نسب مردم تا مَعَد بن عدنان سامان یافته [و قابل اعتماد] است» (فتح الباری: ۶/ ۵۲۹).

امام ابن حبان - رحمه الله - می‌گوید:

«نسب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - تا عدنان صحیح است، اما پس از عدنان نزد من چیز صحیحی نیست که بتوانم بر آن تکیه کنم»؛ ایشان صلی الله علیه وسلم، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب - که نام عبدالمطلب شَبِیه است - بن هاشم - که نام هاشم عمرو است - بن عبدمناف - که نامش مُغیره است - بن قُصی - که نام قصی زید است - بن کلاب - که همان مذهب است - بن مُره بن کعب بن لُؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر - که همان قریش است - بن کنانه بن خزیمه بن مُدرکه بن الیاس بن مُضَر بن نزار بن معد بن عدنان است.

تا اینجا میان نسب شناسان اختلافی نیست، اما از عدنان تا ابراهیم میان آنها اختلاف هست» (السيرة النبوية وأخبار الخلفاء: ۳۹ / ۱).

ابن حزم - رحمه الله - می‌گوید:

«ایشان ابوالقاسم، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب - که نامش شبیه الحمد است - ابن هاشم - که نامش عمرو است - ابن عبدمناف - که نامش مغیره است - ابن قصی - که نامش زید است - بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان است.

نسب صحیحی که در آن شکی نیست تا اینجا به پایان می‌رسد» (السيرة: ۴).

همچنین ببینید:

«دلائل النبوة» بیهقی (۱/ ۱۷۷)، «شرف المصطفی» اثر ابوسعید نیشابوری (۲/ ۱۲)، «أعلام النبوة» ماوردی (۲۰۲) «الاكتفاء» کلاعی (۸ / ۱) «عیون الأثر» ابن سید الناس (۸ / ۲۶)، «السيرة النبوية» ابن کثیر (۸ / ۲۰).

سهیلی - رحمه الله - می‌گوید:

«درباره الیاس، ابن انباری می‌گوید: «الیاس با کسر همزه است» و آن را همانند نام الیاس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - قرار داده است و درباره اشتقاق آن سخنانی را آورده از جمله آنکه ممکن است فعیال از ألس باشد که همان خدیعه (فرب) است و اینکه ألس به معنای اختلاط عقل است و از جمله این که افعال است چنانکه می‌گویند: رجل ألیس یعنی مرد شجاعی که نمی‌گریزد.

اما آنچه غیر ابن انباری گفته‌اند صحیح‌تر است یعنی آنکه این همان یأس است که ضد امید است و لام آن برای تعریف است و همزه نیز همزه وصل است. این را قاسم بن ثابت در «الدلائل» گفته است» به اختصار از «الروض الأنف» (۸ / ۵۷).

قسطلانی در «المواهب اللدنیة» (۸ / ۶۱) می‌گوید:

«الیاس با کسر همزه بنا بر قول ابن انباری و با فتح آن بنا بر قول قایم بن ثابت، ضد امید است و لام در آن لام تعریف است و همزه‌اش نیز همزه وصل است».

زرقانی در «شرح المواهب» (۸ / ۱۴۷) می‌گوید:

«الیاس با همزه زیر الف، معروف آن است که اسم اوست، در سیره مغلطای آمده که نامش حبیب بوده و در خمیس آمده

که نامش را الیاس نهادند چون پدرش پیر شد و صاحب فرزندی نشد و در پیری و نومیدی صاحب فرزند شد پس الیاس نام گرفت و کنیه‌اش ابوعمرؤ است».

حاصل آنکه:

«الیاس» از جملهٔ نَسَب ثابت و معروف پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است و مورد اتفاق است و دربارهٔ آن اختلافی نیست.

اختلاف دربارهٔ نحوهٔ نوشتن این نام است که آیا «الیاس» است با همزهٔ قطع، یا «الیاس» با همزهٔ وصل (بدون همزه زیر الف) و در این باره علما دو قول دارند و چنانکه بیان شد قضیه‌ای آسان است. اما دربارهٔ نام «لیاس» بدون همزه چنانکه در پاسخ آمده کسی از علما را نمی‌شناسیم که آن را ذکر کرده باشد.

والله اعلم